

رولف دوبلی

هنر شفاف اندیشیدن

ترجمہی

عادل فردوسی پور

بہزاد توکلی

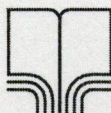
علی شہروز

www.chechni.ir

chechnipublications

chechnipublications

۷۷۷۸۵۰۷ - ۷۷۷۸۵۰۷



نشر چشمه

فهرست

- مقدمه بر ترجمه‌ی فارسی..... ۱۱
- مقدمه..... ۱۳
۱. چرا باید به قبرستان‌ها سری بزنی؟..... ۱۷
۲. آیا دانشگاه‌ها وارد شمارا باهوش‌تر جلوه می‌دهد؟..... ۲۰
۳. چرا ابرها را به شکل‌های مختلف می‌بینی؟..... ۲۳
۴. اگر پنجاه میلیون نفر چیز احمقانه‌ای بگویند، آن چیز کماکان احمقانه است..... ۲۶
۵. چرا باید گذشته را فراموش کنی؟..... ۲۹
۶. نوشیدنی مجانی را قبول نکن..... ۳۲
۷. مراقب «موارد استثنا» باش..... ۳۵
۸. جگر گوشه‌های خودت را بکش..... ۳۸
۹. تسلیم مرجعیت نشو..... ۴۱
۱۰. دوستان سوپر مدل خود را در خانه رها کن..... ۴۴
۱۱. چرا یک نقشه‌ی غلط‌راه نبود نقشه‌ی ترجیح می‌دهیم؟..... ۴۷
۱۲. چرا «نابرده‌نچ گنج میسر نمی‌شود» باید گوش‌های شما را تیز کند؟..... ۵۰
۱۳. حتماً داستان‌های واقعی هم افسانه‌اند..... ۵۳
۱۴. چرا باید دفترچه‌ی خاطرات داشت؟..... ۵۶
۱۵. چرا مرتب دانش‌وتوانایی‌هایت را دست‌بالا می‌گیری؟..... ۵۹
۱۶. گویندگان خبر را جلدی بگیر..... ۶۲
۱۷. کمتر از آن چیزی که تصور می‌کنی در اختیار توست..... ۶۵

۱. چرا باید به قبرستان‌ها سری بزنی؟

خطای بقا

ریک به هر کجا می‌نگرد ستارگان را می‌بیند. صفحه‌ی تلویزیون، روی جلد مجلات، در برنامه‌های کنسرت و در سایت‌های هواداری آن‌لاین، آن‌ها همه‌جا ظاهر می‌شوند. نمی‌توان آهنگ‌های‌شان را در بازار، رادیو یا سالن‌های بدن‌سازی نشنید. ستارگان را که همه‌جا هستند. خیلی پُرشمارند و موفق. ریک که از داستان‌های قهرمانان پُرشمار گیتاریست هیجان‌زده شده بود یک گروه موسیقی راه انداخت. آیا موفق خواهد شد؟ احتمالش فقط کمی بیشتر از صفر است. او هم به احتمال زیاد مثل بقیه، کارش به قبرستان موسیقیدانان ناکام خواهد کشید. این گورستان، ده هزار برابر صحنه‌ی اجرای زنده، در خود موسیقیدان جای داده، اما جز سوپرستاره‌های شکست‌خورده، هیچ خبرنگاری به این افراد ناکام علاقه نشان نمی‌دهد. برای همین، این گورستان از بیرون، نامرئی به نظر می‌رسد. در زندگی روزمره، چون موفقیت بیش از ناکامی به چشم می‌آید، دائماً شانس موفقیت خود را بیش از اندازه تخمین می‌زنی. تو هم (مثل ریک)، به عنوان کسی که هنوز وارد ماجرا نشده، تسلیم یک توهم هستی و نمی‌دانی شانس موفقیت چه قدر پایین است. ریک، مثل خیلی‌های دیگر، قربانی خطای بقاست.

پشت‌سر هر نویسنده‌ی موفق می‌توانی صد نویسنده‌ی دیگر را پیدا کنی که کتاب‌های‌شان هرگز به فروش نمی‌رسد. پشت‌سر آن‌ها هم صد نویسنده‌ی دیگر هست که ناشری پیدا نکرده‌اند. پشت‌سر آن‌ها هم باز صد نفر دیگر که دست‌نوشته‌های ناتمام‌شان